



۱۲ژوئن، روز جهانی منع کار کودک است

کار کودک، سرقت آینده

✍ **[شهروند]** ۱۲ژوئن، روز جهانی منع کار کودک، فرصتی برای بررسی اقدامات و چالش‌های پیش‌روی ایران در این حوزه است. با وجود تلاش‌های دو دهه اخیر، پدیده کار کودک در ایران به دلیل عوامل ساختاری، اقتصادی و اجتماعی همچنان به‌عنوان معضلی پیچیده باقی مانده است. در پس آمارهای متناقض دولتی (۱۴ هزار کودک) و میدانی (۷ میلیون کودک)، ایران امروز در روز جهانی منع کار کودک با بحرانی چندوجهی روبه‌روست. کودکان بی‌هویت در انبوه زباله‌های تهران گم شده‌اند؛ جایی که ۸۵٪ آنان اتباع خارجی هستند و میانگین سن زباله‌گردها به ۱۲ سال رسیده است، شکاف قانونی در تعریف «کار کودک» که تنها کارگاه‌های صنعتی را پوشش می‌دهد، ساختار موازی ۱۱ نهاد مسئول بدون هماهنگی و رتبه ۴۴ جهانی که ایران را پایین‌تر از سوریه و عراق قرار داده است. این بحران، زخم

میانگین سنی کودکان کار در مراکز پذیرش ۱۰ سال است
بنابر گفته سیدحسن موسوی چلک، معاون سلامت اجتماعی بهزیستی در سال ۱۴۰۳ تعداد ۱۲ هزار و ۶۶۳ نفر از خدمات سازمان بهزیستی در حوزه کودکان کار بهره‌مند شدند، از این تعداد، ۲ هزار و ۷۶۶ نفر در مراکز شبانه‌روزی و ۹ هزار و ۸۹۷ نفر در مراکز روزانه تحت حمایت قرار گرفتند. البته ۶۰ درصد آنان ایرانی بودند و ۴۰ درصد اتباع خارجی بودند، البته این آمار تنها شامل کودکانی است که به خدمات سازمان بهزیستی دسترسی داشته‌اند و طبیعتاً کمتر از آمار واقعی کودکان کار است. همچنین یک‌چهارم این کودکان را دختران تشکیل می‌دادند. این در حالی است که آسیب‌پذیری دختران در محیط خیابان بسیار بیشتر از پسران است و این موضوع یکی از نگرانی‌های جدی به‌شمار می‌رود. موسوی چلک می‌گوید: «میانگین سنی کودکان کار در مراکز پذیرش ۱۰ سال است. این کودکان به‌طور متوسط ۳ سال از خدمات سازمان استفاده می‌کنند؛ بنابراین میانگین سنی پرونده‌های فعال در این حوزه، ۱۳ سال است.»

۷۳ درصد این کودکان با پدر و مادر زندگی می‌کنند
معاون سلامت اجتماعی بهزیستی بیان می‌کند: «آمارهای ما نشان می‌دهد که ۷۳ درصد این کودکان با پدر و مادر زندگی می‌کنند، ۲۱ درصد با مادر، ۲ درصد با پدر و تنها ۴ درصد بدون والدین زندگی می‌کنند، این آمار حاکی از آن است که در چنین شرایطی، مادران معمولاً مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند. موسوی چلک اظهار می‌کند: «بر اساس آمارهای ثبت‌شده، ۱۵ درصد از کودکان کار زباله‌گرد هستند، ۵۲ درصد در خیابان کار می‌کنند اما زباله‌گرد نیستند و ۳۵ درصد نیز مشاغل دیگری دارند.» او فقر و اعتیاد را مهم‌ترین علل کار خیابانی کودکان عنوان می‌کند: «بررسی‌های ما نشان می‌دهد ۷۶ درصد کودکانی که در مراکز سازمان پذیرش شده‌اند، به‌طور مستقیم تحت تأثیر این دو عامل قرار دارند. معاون بهزیستی با اشاره به وضعیت تحصیلی این کودکان می‌گوید: «۷۶ درصد از کودکان کار همچنان در حال تحصیل هستند و ۲۴ درصد از تحصیل بازمانده‌اند.» موسوی چلک ادامه می‌دهد: «در حوزه حمایت‌های آموزشی، سازمان بهزیستی در سال گذشته ۳ هزار و ۶۲۸ نفر از کودکان کار را در مدارس ثبت‌نام کرد، هزینه ثبت‌نام ۲ هزار و ۵۲۸ نفر را پرداخت و ۱۷ هزار سبد کالای حمایتی میان آن‌ها توزیع کرد.» موسوی چلک خاطرنشان می‌کند: «در سال ۱۴۰۳، در مجموع ۱۳۲ هزار و ۲۶۵ دوره آموزشی در زمینه مهارت‌های زندگی و اجتماعی برای کودکان کار برگزار شده است.»

همان کودک در کارگاه‌های زیرزمینی شب و روز کار کند، آیا زشت نیست؟ این کارشناس حوزه رفاه و تأمین اجتماعی می‌گوید: «بخش عمده‌ای از این پدیده در لایه‌های پنهان جریان دارد. بسیاری از کودکان در کارگاه‌هایی فعالیت می‌کنند که نه دیده می‌شوند و نه نظارتی بر شرایط آن‌ها وجود دارد.»

آشکار سازی آسیب‌های پنهان کار کودک برای جامعه

اوبیان می‌کند: «اینکه گفته می‌شود ۸۵ درصد کودکان کار از اتباع هستند، آمار درستی نیست. کودک، مهاجر و غیرمهاجر ندارد؛ همه آن‌ها کودک‌اند و باید حقوق‌شان رعایت شود. طبق برآوردهای پیشین، حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک کار در کشور وجود دارد.» بنابراین بزدانی کودکان زباله‌گرد اغلب در شب‌ها و ساعات پایانی روز مشغول کار هستند. برآورد نشان می‌دهد تنها در شهر تهران، پنج سال پیش حدود پنج هزار کودک زباله‌گرد فعال بودند.

او ادامه می‌دهد: «باید آسیب‌های پنهان کار کودک را برای جامعه آشکار کرد. مردم باید بدانند این کودکان با چه تهدیداتی مواجه‌اند و چه تبعات جسمی و روانی آن‌ها را تهدید می‌کند.» به باور این کارشناس حوزه رفاه و تأمین اجتماعی اولویت ما باید حذف بدترین اشکال کار کودک باشد. کشور در این زمینه به اسناد بین‌المللی نیز متعهد است. این کارزار باید در نهایت به تدوین آیین‌نامه‌ای برای حذف کار کودک منجر شود و به مطالبه‌ای عمومی از سوی جامعه و مسئولان تبدیل شود.

باید با مولفه‌های فرهنگی مداخله اثربخشی داشته باشیم

به گفته محسن کرمانی، معاون اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، علی‌رغم توجه به ابعاد مختلف اقتصادی و معیشتی و حمایتی در حوزه کاهش کودکان کار و خیابان به بحث فرهنگی آن‌طور که شایسته است، توجه نشده، این در حالی است که حتی اگر بهترین ساز و کارهای حمایتی را تدارک ببینیم، اما به مولفه‌های فرهنگی در سطح خانواده و جامعه توجه نکنیم، نمی‌توانیم مداخله اثربخشی داشته باشیم. بنابراین کرمانی نه گفتن به کار کودکی، نه به کاری است که کودک را در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار می‌دهد، وگرنه در مورد کاری که به رشد و توسعه فردی و اجتماعی کودک کمک می‌کند، بحثی نیست.

بخش عمده‌ای از این پدیده در لایه‌های پنهان جریان دارد

به گفته فرشید یزدانی، کارشناس حوزه رفاه و تأمین اجتماعی به‌جای حذف کودک کار باید به دنبال حذف کار کودک باشیم. نباید اجازه دهیم کار کودک به امری عادی تبدیل شود؛ عادی‌سازی کار کودک، همچون پدیده کودک کولبر، مایه شرمساری جامعه است. بنابراین بزدانی افسانه‌ای در ذهن برخی شکل گرفته که کودکان کار توسط باند‌های سازمان یافته مدیریت می‌شوند، در حالی که این تصور با واقعیت فاصله دارد. بخش زیادی از این کودکان به‌صورت خانوادگی مشغول به کارند. نباید برخورد ما با این مسئله صرفاً نمایشی باشد. اینکه بگوییم کار کودک در خیابان برای حکومت زشت است، اما

در سال ۱۴۰۳ تعداد ۱۲ هزار و ۶۶۳ نفر از خدمات سازمان بهزیستی در حوزه کودکان کار بهره‌مند شدند، از این تعداد، ۲ هزار و ۷۶۶ نفر در مراکز شبانه‌روزی و ۹ هزار و ۸۹۷ نفر در مراکز روزانه تحت حمایت قرار گرفتند. البته ۶۰ درصد آنان ایرانی بودند و ۴۰ درصد اتباع خارجی بودند، البته این آمار تنها شامل کودکانی است که به خدمات سازمان بهزیستی دسترسی داشته‌اند و طبیعتاً کمتر از آمار واقعی کودکان کار است. همچنین یک‌چهارم این کودکان را دختران تشکیل می‌دادند

اینفلوئنسری کودکان: آیا تحصیل باید جایگزین درآمد شود؟

پایه‌های اخلاقی و اجتماعی ما را به لریزه درمی‌آورد. از منظر روانشناختی، کودکی که رفتار و ظاهر خود را در برابر نگاه نامحدود دنبال‌کنندگان بازنمایی می‌کند، در معرض خودبیگانگی هویتی، اضطراب عمومی، افسردگی و از دست دادن حس شادی کودکان قرار می‌گیرد. جامعه‌شناختانه، این نسل، علاوه بر پذیرفتن نابرابری و تقسیم نقش‌های جنسیتی یا درآمدی، در معرض آزمون فرهنگی قرار دارد که در آن کار کودک نه فقط پذیرفتنی، بلکه الگو معرفی می‌شود. وظیفه دولت‌ها در چنین شرایطی روشن است: آن‌ها باید با تفاهم میان دستگاه‌های قانون‌گذار، آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای، ساختار حمایتی، قانونی و اجرایی جامعی را فراهم کنند. از احراز هویت و سقف سنی برای حضور در پلتفرم‌ها گرفته تا ایجاد بانک داده شفاف درآمد‌های کودکان و تخصیص درآمد به حساب‌های تحت نظارت قانونی، همه اینها باید در دستور کار قرار گیرد. چنین گامی نه صرفاً مایملک حقوق کودک است، بلکه سرمایه‌ای برای آینده جامعه است؛ آینده‌ای که در آن، کودکی با حق بر رشد، بازی، آموزش و آرامش تعریف شود، نه خاکستری از درآمد، خودفروختگی و گم‌گشتگی هویتی. اگر امروز راه را برای کودک بازگذاریم تا نماد کار و درآمد شود، فردا با جامعه‌ای مواجه خواهیم شد که در آن، کرامت و حقوق بنیادین نسل جدید، دروغی شیرین در برابر دوربین‌های فهم‌ناپذیر فروخته شده‌اند.



کودک می‌تواند درآمد قابل توجهی کسب کند؛ مستند Netflix «با عنوان روی سیاه جلوه‌ای دیگر از کودکان کار فضای مجازی» فاش کرد که شبکه‌ی «The Squad» تولید Piper Rockelle، بالغ بر نیم میلیون دلار در ماه درآمد داشت. با این حال، در اغلب نظام‌های حقوقی، همچون کودکان پاکستانی یا ایرانی فعال در فضای دیجیتال فاقد چارچوب حقوقی مشخص هستند. در سوی مقابل، در کشورهایی مانند فرانسه و قوانین جدید در ایالت‌هایی همچون کالیفرنیا، ایلینوی و مینه‌سوتا در آمریکا، گام‌هایی رو به جلو برداشته شده؛ اما در سایر مناطق همچنان خلأ قانونی آشکار وجود دارد. کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۳۲) صراحتاً منع بهره‌کشی اقتصادی را در هر نوع کاری فراهم کرده است. مشاغل اینفلوئنسرکودکان در ایران مشمول قانون کار، بیمه یا حمایت حقوقی نیستند و هیچ حکمی درباره احراز هویت یا سقف درآمد تعریف نشده. کودکی که برای بازدید، لایک و دنبال‌کننده تولید محتوای مداوم می‌کند، در معرض اضطراب، پریشانی هویت و اختلال در عزت‌نفس قرار می‌گیرد. مستند Netflix گزارش می‌دهد که اعضای «Squad» بیش از ۱۲ ساعت در روز فیلمبرداری می‌کردند؛ بدون معلم یا بیمه و بدون دریافت درآمد شفاف. شواهد بین‌المللی، مانند ادعاهای ۱۱ نوجوان علیه مدیریت خانوادگی Piper Rockelle مبنی بر آزار جنسی و روحی، تیزبینی انسان‌ها را بر شدت آسیب نشان می‌دهد. تصویر کودک در قاب دیجیتال، چنان درخشان است که ما را می‌فریبد؛ کودکان اینفلوئنسرانی با ظاهری شاد، بسته‌هایی از زندگی تجملی و گاه مسئولیت‌هایی زودرس. اما پشت این تصویر، ساعاتی بی‌شمار از کار غیررسمی، فشار والدین، نادیده شدن تحصیل و فقدان حمایت قانونی وجود دارد. این وضعیت نه فقط نقض صریح ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک و حقوق داخلی کشورهای جهان است، بلکه

محمد مهدی سیدناصری، حقوق‌دان، مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان

در گذار از خیابان‌های خاک‌گرفته تا قاب آینه مانند اینستاگرام، چهره کار کودک دنیایی جدید ساخته است؛ جهانی که در آن، کودکی خردسال پس از پایان ساعات رسمی درس، به جای بازی در کوچه، به عنوان اینفلوئنسر با پیک اجباری در برابر دوربین ظاهر می‌شوند. این چرخش از کار خیابانی به ناپیدایی مجازی، نه تنها وضعیت اقتصادی آن‌ها را تغییر نمی‌دهد، بلکه پیامدی فرهنگی و حقوقی عمیق را رقم می‌زند؛ نرمال شدن بهره‌کشی و تبدیل کودک به نماد مسئولیت‌پذیری. طبق گزارش‌های بین‌المللی، افزون بر ۱۶۵ میلیون کودک کار در جهان وجود دارد و حضور کودکان در مشاغل دیجیتال، ردی فزاینده در این پدیده به جا گذاشته است. در ایران نیز، برآوردها از وجود بیش از یک و نیم میلیون کودک کار حکایت دارند. افزون بر آن، موضوع «kidfluencers» یا کودکان اینفلوئنسر با مبلغ میلیون‌ها یورو در تبلیغات روبه‌رشدی نگران‌کننده نشان داده است؛ درآمدهایی که بدون چارچوب قانونی، شفافیت مالی یا حمایت از حقوق کودک پرداخت می‌شوند. در چنین فضایی، نه تنها چارچوب‌های حقوق بین‌الملل کودک (ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک) نادیده گرفته می‌شوند، بلکه خلأ عینی در همکاری میان نهاد‌های دولت، ارشاد، ارتباطات، آموزش و رسانه وجود دارد. روشن است که برای مقابله با این چالش، باید نگاه نوآورانه و میان‌رشته‌ای داشت؛ چشم‌انداز روانشناختی که آسیب رشد، اضطراب، حق بر بازی و آموزش را بشناسد؛ منظر اجتماعی که پیامدهای نابرابری ساختاری را به تصویر بکشد؛ و حوزه حقوقی که مسئولیت دولت‌ها و پلتفرم‌های دیجیتال را در جامعه امروز تعیین کند. در روزگاری که مرز میان زندگی واقعی و دیجیتال به سرعت محو می‌شود، چهره کار کودک نیز دگرگون شده است. نوپدیدان این عرصه از پیک‌های موتوری فیزیکی تا «اینفلوئنسر کودک» (kidfluencer) در اینستاگرام و یوتیوب با روایت‌هایی از مسئولیت‌پذیری زودرس و افتخار فریبنده عرضه شده‌اند. این تغییر نمایی، از دید رسمی و غیررسمی، توانسته تصویر کار کودک را نه تنها پنهان نکند، بلکه آن را به نوعی الگوی ترقی در برابر توده‌ها تبدیل کند. اما واقعیت آسیب‌شناسانه این پدیده بسیار ظریف‌تر از تصویر دیجیتال آن است؛ طبق گزارش سازمان جهانی کار، بیش از ۱۶۵ میلیون کودک در سراسر جهان دچار کار زیان‌آور هستند. در ایران نیز برآوردها حاکی از حدود ۱۰۶ میلیون کودک کار است، بدون التفات به گونه‌های دیجیتال آن. اینفلوئنسرهای